



## بررسی تطبیقی ملی کردن اموال از منظر حقوق خصوصی ایران و حقوق بین‌الملل

پدیدآورنده (ها) : احمدی، مهشید؛ بهبهانی، محمدرحیم

حقوق :: نشریه مطالعات حقوق :: پاییز ۱۴۰۳، دوره جدید - شماره ۴۳

صفحات : از ۴۹ تا ۶۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2220407>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۴/۰۸/۱۳

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- بررسی حقوقی قابلیت خصوصی سازی اموال عمومی (مطالعه تطبیقی حقوق ایران و فرانسه)
- بررسی تطبیقی جبران غرامت تملک املاک اشخاص خصوصی از سوی نهادهای عمومی در حقوق انگلستان و ایران با تأکید بر رویه قضایی
- بررسی تطبیقی قانون حاکم بر قرارداد بیمه حمل و نقل در حقوق بین الملل خصوصی ایران و اتحادیه اروپا
- بررسی تطبیقی مبانی ورود ایران و ایالات متحده به بحران سوریه از منظر حقوق بین الملل
- اختلاس تصرف غیر قانونی و استفاده غیر مجاز از اموال دولتی در کنوانسیون مریدا بررسی تطبیقی با حقوق ایران
- مبانی مسئولیت مدنی ناشی از آشکار کردن اطلاعات خصوصی (مطالعه تطبیقی حقوق امریکا، حقوق ایران، و فقه امامیه)
- بررسی تطبیقی محدودیت های آزادی بیان در تلویزیون از منظر اسناد بین الملل حقوق بشر و حقوق موضوعه ایران
- بررسی تطبیقی حقوق کودک از منظر حقوق ایران و حقوق بین الملل
- بررسی جایگاه ملی کردن و مصادره اموال در حقوق ایران
- بررسی تطبیقی عدول از ایجاب در حقوق ایران فرانسه و کنوانسیون بیع بین المللی کالا

## بررسی تطبیقی ملی کردن اموال از منظر حقوق خصوصی ایران و حقوق بین‌الملل

مهشید احمدی<sup>۱</sup>. محمدرحیم بهبهانی<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق، گرایش خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون، ایران

mahshidahmadi522000@gmail.com

۲. استادیار بخش حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون، ایران

### چکیده

هدف از این پژوهش بررسی تطبیقی ملی کردن اموال از منظر حقوق خصوصی ایران و حقوق بین‌الملل است. محقق در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی به دنبال یافتن پاسخ این پرسش اصلی خواهد بود که: تفاوت ملی کردن اموال از منظر حقوق خصوصی ایران و حقوق بین‌الملل در چیست؟ مالکیت حقیقی است برای بشر تا او بتواند بدون دغدغه و با آزادی زندگی خود را به سر برد و شخصیت خود را بسط دهد. مالکیت کامل‌ترین حق انسان است که می‌تواند بر مالی داشته باشد و با هر انگیزه‌ای از عین مال خود بهره‌مند گردد یا آن را بی استفاده قرار دهد. یکی از جلوه‌های تبدیل مالکیت خصوصی به عمومی، ملی کردن است. ملی کردن اموال خصوصی از نظر مبانی، فرآیند و آثار که دارد با مفاهیمی چون خلع ید، غصب، مصادره و ضبط اموال دارای تفاوت‌های اساسی است. نتایج حاکی از آن است که ملی کردن اموال در حقوق خصوصی ایران، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی، تأثیرات قابل توجهی بر مالکیت خصوصی و حقوق فردی گذاشته است. در حقوق بین‌الملل، ملی کردن باید با رعایت اصول قانونی و جبران خسارت عادلانه صورت گیرد تا حقوق مالکیت خصوصی کشورهای دیگر تضییع نشود. لذا ملی کردن اموال از منظر حقوق خصوصی ایران و حقوق بین‌الملل با هم دارای تفاوت‌هایی است. لذا ملی کردن اموال در حقوق خصوصی ایران به‌ویژه تحت تأثیر اصول اسلامی و قوانین داخلی قرار دارد، در حالی که در حقوق بین‌الملل، این عمل تحت چارچوب‌های خاصی مانند حق مالکیت و تضمین جبران خسارت ارزیابی می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** ملی کردن، اموال، حقوق خصوصی ایران، حقوق بین‌الملل.



## مقدمه

اساس حقوق ملی کردن این اصل کلی است که می‌گوید «هر ملتی حق تعیین آزادانه سرنوشت خود را دارد» البته در خصوص ملی کردن مراد از حق تعیین سرنوشت، حق تعیین سیاست اقتصادی و اجتماعی در حوزه‌ی داخلی است مبنای بعد اصل حاکمیت دائمی کشورها بر مبنای ثروت زیرزمینی و اقتصاد کشورهاست که در قطعنامه‌های سازمان ملل نیز بر آن تأکید شده است. مواضع کشورها در این زمینه متفاوت است کشورهای غربی و صنعتی ملی کردن اموال بیگانگان را مغایر با اصل احترام به حقوق مکتب می‌دانستند اما رفته رفته آن را به شرط پرداخت غرامت کامل (غرامت کافی، موثر و سریع) مورد پذیرش قرار دادند. ضمن اینکه معتقدند ملی کردن باید بدون تبعیض و مبتنی بر منافع عمومی و مصلحت جامعه باشد والا از لحاظ بین‌المللی مسئولیت‌آور خواهد بود.

درمقابل کشورهای سوسیالیستی سابق معتقد بودند هر نوع اقدامی در خصوص ملی کردن مشروع و برعکس هر نوع واکنشی در مقابل آن غیر مشروع است این کشورها اصولاً این پدیده را جزو مسایل حقوق داخلی می‌دانستند و هرگونه حکومت حقوق بین‌الملل در این زمینه را نفی می‌کردند. همچنین پرداخت غرامت را متعاقب ملی کردن قابل قبول نمی‌دانستند با این استدلال که همانگونه که یک دولت حق مصادره‌ی اموال اتباع خودش را دارد، درمقابل بیگانگان نیز این حق را داراست و از این حیث بیگانگان هیچ گونه امتیازی نسبت به اتباع یک کشور نخواهند داشت کشورهای جهان سوم هم ملی کردن را در راستای رسیدن به استقلال سیاسی و اقتصادی خودشان مجاز دانسته و همچنین حق بر توسعه را نیز به عنوان مبنایی حقوقی برای آن قلمداد می‌کردند.

ملی کردن اموال به‌عنوان یک فرایند کلیدی در شکل‌گیری دولت‌ها و تحولات اقتصادی-سیاسی، همواره مورد توجه حقوق‌دانان، اقتصاددانان و محققان قرار گرفته است. این مفهوم به معنای انتقال مالکیت خصوصی به مالکیت عمومی از سوی دولت است که معمولاً با اهدافی همچون توسعه ملی، تأمین منافع عمومی و کاهش نابرابری‌های اقتصادی انجام می‌شود. با این حال، فرایند ملی کردن اموال، به‌خصوص از منظر حقوق خصوصی و حقوق بین‌الملل، پیچیدگی‌های خاص خود را دارد و ممکن است پیامدهای حقوقی و اقتصادی قابل توجهی به دنبال داشته باشد.

از آنجا که ایران به‌عنوان یک کشور با تاریخچه غنی در حوزه ملی کردن اموال، تجربه‌های متنوعی داشته است، بررسی تطبیقی این پدیده در ایران و حقوق بین‌الملل می‌تواند جذاب و آموزنده باشد. در سطح بین‌الملل، ملی کردن اموال به‌عنوان یکی از مسائل حساس در روابط بین‌الملل و حقوق بشر در نظر گرفته می‌شود و قواعد خاصی برای آن وجود دارد که به نحوه اجرا و پیامدهای حقوقی آن مرتبط است. به‌خصوص دو اصل مهم؛ حق دولت‌ها در ملی کردن و لزوم رعایت حقوق مالکیت خصوصی افراد غیرمقیم و مقیم، از جمله مباحثی است که در این بررسی به آن پرداخته خواهد شد.



در ایران، تجربیات تاریخی مانند ملی شدن صنعت نفت در دهه ۱۳۲۰، نمونه بارز و قابل توجهی از فرایند ملی کردن اموال است که تبعات سیاسی و اقتصادی عمیقی به همراه داشت. این تجربه به‌ویژه در ارتباط با نقش حقوق خصوصی و تأثیرات آن بر سرمایه‌گذاری و تجارت بین‌المللی، موضوعی است که نیازمند تحلیل عمیق‌تری است. در این راستا، قوانین و رویه‌های حقوقی که برای حمایت از حقوق مالکیت خصوصی طراحی شده‌اند، در تقابل با تصمیمات ملی‌سازی قرار گرفته و چالش‌های جدیدی را به وجود می‌آورند.

این مقاله تلاش می‌کند با نگاهی تطبیقی به بررسی ملی کردن اموال از منظر حقوق خصوصی در ایران و مقایسه آن با چارچوب‌های حقوق بین‌الملل بپردازد. بدین منظور، ابتداءً به تبیین مفاهیم و تعاریف مرتبط با ملی کردن و حقوق مالکیت پرداخته می‌شود و در ادامه، تجزیه و تحلیل تجارب تاریخی در این زمینه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در نهایت، این پژوهش به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های ملی کردن اموال از منظر حقوق خصوصی در ایران و حقوق بین‌الملل خواهد پرداخت و اهمیت رعایت اصول حقوقی در این فرایند را مورد تأکید قرار خواهد داد.

از منظر حقوق بین‌الملل، ملی کردن اموال با چالش‌های جدی مواجه است. اصول حقوق بین‌الملل به ویژه حقوق بشر و حقوق مالکیت، تأکید بر این دارند که هر گونه اقدام ملی کردن باید مطابق با قوانین و قراردادهای بین‌المللی باشد. از جمله این مبانی می‌توان به وجود حق مالکیت و اصل جبران خسارت در معاهدات بین‌المللی مانند کنوانسیون آفریقایی و کنوانسیون سرمایه‌گذاری اشاره کرد. در این راستا، حق دولت‌ها برای ملی کردن اموال در صورت تحقق شرایط خاص (مانند منافع عمومی) پذیرفته شده است، اما این امر باید با رعایت اصل جبران خسارت به صاحبان اموال انجام شود. محافظت از حقوق سرمایه‌گذاران خارجی و جلوگیری از تبعیض در این زمینه، از دیگر الزامات حقوق بین‌الملل است که باید مورد توجه قرار گیرد.

در نهایت، بررسی تطبیقی ملی کردن اموال نشان می‌دهد که این عمل در هر دو نظام حقوقی، یعنی حقوق خصوصی ایران و حقوق بین‌الملل، با ویژگی‌ها و چالش‌های خاصی همراه است. در حقوق خصوصی ایران، اصول مالکیت و جبران خسارت باید به دقت رعایت شود تا از تضییع حقوق افراد جلوگیری گردد. در عین حال، در حقوق بین‌الملل، ملی کردن اموال باید با رعایت الزامات قانونی و تعهدات بین‌المللی انجام شود تا از بروز دعاوی و مشکلات حقوقی در سطح بین‌المللی جلوگیری گردد. (دلیر، ۱۳۹۵)

در حقوق ایران آنچه ضبط دائم اموال نامیده می‌شود ماهیتاً مصادره اموال محسوب می‌شود. بررسی برخی از قوانین حاکم در این خصوص در این نوشتار مورد توجه خواهد بود. همچنین بررسی وضعیت اموال ضبط و مصادره شده پس از ضبط و مصادره نیز از نکاتی است که در این نوشتار مورد توجه قرار گرفته است. این تحقیق که با روش توصیفی تحلیلی انجام شده بیانگر آن است که انسان نسبت به اموال، املاک و دارایی‌های خود حق مالکیت دارد و دین مبین اسلام نیز بر آن تأکید نموده است، ولی این به معنای



مالکیت مطلق او نیست بلکه بنا به شرایط و مصالح عمومی، این حق گاهی سلب و یا محدود می‌گردد. (سید جلیلی و همکاران، ۱۳۹۵).

### ملی کردن اموال

ملی کردن، عبارت از نهادن یک مال اعم از شرکت یا زمین در خدمت دولت و ملت است؛ مثل ملی کردن جنگل‌ها و مراتع، ملی کردن صنعت نفت، ملی کردن اراضی، ملی کردن اموال، ملی کردن آب‌ها و... در اینکه برای ملی کردن باید به متصرفان یا مالکان قبلی خسارت داده شود یا نه، بحث بسیار زیادی وجود دارد. در هر حال، ملی کردن، از طرق قهری انتقال مالکیت از مالکین خصوصی به ملت یا دولت است. گروهی از حقوق دانان ملی کردن را با هدف دولت از آن تعریف کرده‌اند و بر این اساس ملی کردن را برانداختن قدرت سرمایه‌داران بخش خصوصی توسط دولت می‌دانند. مارسل والین استاد حقوق اداری فرانسه در کتاب ملی کردن چنین بیان می‌دارد. ملی کردن عبارت از حذف و برداشتن طریق سرمایه‌داری از اداره یک موسسه است. (فیوضی، بی تا)

و به تعبیر دیگر ملی کردن عبارت است از، انتقال دائم اموال و دارائی‌های خصوصی به مالکیت عمومی که در تعقیب بعضی از اهداف سیاسی و اقتصادی و در ازای پرداخت غرامت صورت می‌گیرد. بعضاً دولت به عنوان حافظ منافع عمومی و به دلایل سیاسی یا اقتصادی ممکن است موسسه‌ای را ملی کند. با ملی کردن دولت جانشین مالک اصلی می‌شود و اداره موسسه را به دست می‌گیرد و تمام تعهدات «قرض و طلب و سایر تعهدات» مالک اولیه به دولت منتقل می‌شود. فقط زمان انقلاب با بحران شدید است که دولت بسیاری از موسسات خصوصی متعلق به سرمایه‌داران داخلی و خارجی را ممکن است ملی کند و از پرداخت خسارات موسسات ملی شده خودداری کند. در پاره‌ای موارد ملی کردن را با دولتی کردن به یک معنا بکار برده‌اند. دولتی کردن به معنای سازمان دادن یک منبع ثروت ملی و یا یک فعالیت اقتصادی به صورت یک سازمان عمومی و تحت اداره دولت و یا قواعد حقوق عمومی است. (کانونیان، ۱۳۸۲).

### موارد ملی کردن

از آنجایی که ملی کردن یک مفهوم قرن بیستمی نیز می‌باشد و در این قرن وقایعی رخ داده که از نظر انگیزه و میزان متفاوت است لذا در این مبحث موارد ملی کردن در راستای تحقق هدف برابری اقتصادی و اجتماعی بیان می‌شود.

#### ۱- به منظور عمران، شهرسازی و تامین مسکن

ممکن است هدف از سلب مالکیت یا ملی کردن جهت اجرای برنامه‌های عمرانی، نظامی یا عمومی باشد. چنانچه در لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و



نظامی دولت و شهرداریها مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب آمده است در ماده (۱) آن مقرر داشته: «هر گاه برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی وزارتخانه‌ها یا موسسات و شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت- هم چنین شهرداری‌ها و بانک‌ها دانشکده‌های دولتی و سازمانهایی که شمول قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام باشد و از این پس «دستگاه اجرایی» نامیده می‌شود به اراضی، ابنیه، مستحدثات، تاسیسات و سایر حقوق مربوط به این اراضی متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی نیاز داشته باشند و اعتبار آن قبلاً به وسیله «دستگاه اجرایی» یا از طرف سازمان برنامه و بودجه تأمین شده باشد «دستگاه اجرایی» می‌تواند زمین مورد نیاز را مستقیماً به وسیله هر سازمان خاصی که مقتضی بداند بر طبق مقررات مندرج در این قانون خریداری و تملک نماید.» یا ممکن است هدف از کمک در جهت رفع مشکل مسکن و جلوگیری از بالا رفتن قیمت زمین باشد. چنانچه در ماده (۱) قانون زمین شهری مقرر داشته است: «برای نیل به اهداف مذکور در اصول ۳۱-۴۳-۴۵-۴۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی که تأمین نیازهای عموم به مسکن و تاسیسات عمومی شهری را وظیفه دولت قرار داده و به منظور جلوگیری از بالا رفتن قیمت زمین به صورت کالا و حرکت در جهت مصالح کلی اقتصاد کشور که سوق سرمایه‌ها به بخشهای تولیدی زیربنایی (کشاورزی صنعتی) می‌باشد.» (صفایی و همکاران، ۱۳۷۵)

از جمله اهداف دیگری که ممکن است به سبب آن ملی کردن یا سلب مالکیت صورت گیرد در زمینه مسائل آموزشی، بهداشتی و یا در جهت حفظ و حراست از آثار ملی و میراث فرهنگی است.

## ۲- جهت کارهای عمرانی و شهرسازی

با افزایش جمعیت و بالا رفتن نیازمندی‌های عمومی ضرورت وجود قواعد و مقررات مربوط به ملی کردن جهت امور شهرسازی و همچنین برنامه ریزی و اجرای اصولی این مقررات احساس می‌شود. با توجه به اینکه اکثر شهرهای ایران دارای بافت قدیمی بوده و این بافت قدیمی به گونه‌ای است که با نیازها و پیشرفت‌های فنی و افزایش جمعیت هماهنگی ندارد. این عدم هماهنگی سبب شده است تا دولت بیش از پیش اقدام به سلب مالکیت از اشخاص خصوصی نماید. چنانچه گفته شد دولت و موسسات دولتی و شهرداری‌ها نمی‌توانند بدون مجوز قانونی اقدام به ملی کردن نمایند و قوانین و مقررات شهرداری قدرت و توانایی کافی در خصوص ملی کردن و تملک در محدوده شهرها را داده است. (میرعباسی، ۱۳۷۱)

به طور کلی، محدوده قانونی یک شهر عبارت است از محدوده‌ای که بر اساس نیازهای اقتصادی اجتماعی شهر برای آینده آن با توجه به امکانات شهری، برنامه‌های عمرانی، تأمین خدمات شهری و هم چنین امکانات توسعه در آینده به نحوی تعیین می‌گردد که حداقل در آینده احتیاج به تجدید نظر و تغییر در آن نباشد. علاوه بر ویژگی‌های فوق که شهر می‌بایست دارای حریم باشد.



### ۳- به منظور تأمین مسکن

امروزه مشکل مسکن بدلیل گسترش شهرنشینی از یک طرف، افزایش روزافزون جمعیت از طرف دیگر یکی از دشواریهای اساسی دولت‌ها در آمده است و هر چند دولتها در عمل ناتوان باشند، لاقلاً به ظاهر این وظیفه را در سرلوحه برنامه‌های خود عنوان می‌نمایند. اما مهمترین راه حل جهت رفع مشکل مسکن ملی کردن می‌باشد از مهمترین مصوباتی که در این خصوص به تصویب رسیده است، قانون اراضی شهری مصوب ۱۳۶۰/۱۲/۲۷ مشتمل بر ۱۷ ماده و ۱۲ تبصره و اصلاحیه‌های آن مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام سال ۱۳۶۷/۱/۱۶ است. (مسیح زاده، ۱۴۰۰)

### مبانی حقوقی مالکیت خصوصی و مصادره اموال در حقوق ایران

حقوق اسلامی ایران به پیروی از فقه امامیه، مالکیت خصوصی را مشروع و قانونی دانسته است، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که قانون برتر و معیار سنجش سایر قوانین است، در چند اصل به این موضوع تصریح کرده است؛ از جمله در اصل ۴۹ مقرر نموده است: «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می‌کند.» هم چنین در قسمتی از اصل ۴۶ آمده است: «هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است» و در اصل ۴۴ اقتصاد کشور بر سه پایه دولتی، تعاونی و خصوصی طرح‌ریزی شده است. (تفرشی، بیتا، ۹۸) قانون مدنی نیز که مهم‌ترین نظام نامه حقوقی شهروندان ایرانی است، در موارد مختلفی به طور صریح یا ضمنی مالکیت خصوصی را محترم شمرده است؛ از جمله می‌توان به مواد ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۵ اشاره کرد. ماده ۳۱ مقرر می‌کند: «هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمی‌توان بیرون کرد، مگر به حکم قانون.» البته تردیدی نیست که مالکیت مزبور محدود به ضوابطی است. چنان که اصول ۴۶ و ۴۷ قانون اساسی آن را در صورتی معتبر دانسته‌اند که از راه مشروع حاصل شده باشد و اصول ۴۵ و ۴۷ نیز از اموالی نام برده است که قابل تملک خصوصی نیست. هم چنین مواد ۲۴ تا ۲۸ و ماده ۳۰ و ۳۱ قانون مدنی هر یک به گونه ای مالکیت خصوصی را تحدید کرده‌اند. (شاکری، ۱۳۹۵)

### مبانی حقوقی مصادره اموال

بررسی قوانین مربوط به مصادره اموال نشان می‌دهد که مبانی حقوقی مصادره، مغایر با عناوین و جهات فقهی آن نیست. ملاحظه اظهارات و دیدگاه‌های قانون‌گذاران به هنگام بحث و بررسی قوانین مربوط، راهنمای خوبی برای استنباط مبانی حقوقی مصادره در جمهوری اسلامی است. بدین منظور، بیانات چند تن از نمایندگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و مجلس شورای اسلامی را مطرح می‌کنیم:

آیه الله مقدسی شیرازی یکی از فقهای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سخنان قبل از دستور جلسه ۵۵ می‌گوید: «این همه ثروت جمع کرده‌اند، حبس کرده‌اند، چرا نمی‌آیند حقوق الهی را بدهند؟ مگر خمس یکی از حقوق مسلم قانون اسلام نیست؟ این‌ها را اگر بخواهیم محاسبه



کنیم و باید هم محاسبه بشوند همین ثروت ملت است که آنان جمع کرده‌اند. همین ثروت‌هایی است که یا از راه غیر مشروع به دست آمده و اگر از راه غیر مشروع باشد باید مصادره بشود. حالا اگر بعضی‌ها هم می‌گویند در اسلام مصادره نداریم، مصادره یعنی چه! مصادره یعنی مال غیر مشروع که از راه غیر مشروع به دست آمده است. باید این طور ثروت‌ها گرفته شود. اگر صاحبان اصلی آن‌ها معلوم باشد به آن‌ها داده بشود و اگر صاحبان اصلی آن‌ها معلوم نیست، برای بهبودی وضع زندگی نیازمندان و مستضعفین به بنیاد مستضعفان و به بیت المال برگردانده شود. . . و اگر هم آن ثروت‌هایی که جمع کرده‌اند از راه حلال و حرام به دست آمده است بایستی دو خمس گرفته شود. یک خمس، خمس مال مخلوط به حرام اگر صاحبش و مقدارش معلوم نباشد و یک خمس، خمس پس انداز که مال را ذخیره کرده است، و یا رفته املاک و یا اشیای دیگر خریده و یا در بانک‌ها گذاشته‌اند. این باید دو نوع خمس بدهد که در حقیقت چهل درصد باید خمس بدهد. در شریعت اسلام پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله کسانی را بین این ثروتمندان می‌فرستادند آن مقدار مالی که حق خدا و قانون اسلامی بود از آن‌ها اجباری می‌گرفتند.» (کاتوزیان؛ همان)

#### ملی کردن (سلب مالکیت) و قراردادهای اداری

شرکت دولت یا موسسات عمومی در انجام بعضی عملیات یک‌نوع قرارداد مخصوصی است که گاهی نیز قرارداد یک جانبه نامیده می‌شود، که به موجب آن شخصی در مقابل موسسه عمومی شخص حقوقی حقوق عمومی و یا انجام کاری، به منظور مصالح عمومی می‌گردد. نتیجه عمل مذکور عبارت از تعهدی است که جنبه ارادی داشته و غیر از انتقال اجباری مال است که رکن اصلی سلب مالکیت می‌باشد. در سلب مالکیت، مالکیت اصلی نمیتواند عین مال را در مالکیت خود نگه داشته حق استفاده از آن را در اختیار متقاضی سلب مالکیت گذارد در صورتیکه در قراردادهای اداری عموماً ساختمانها و کارخانجات و مواد ذخیره و غیره در تصرف دولت بوده ولی از مالکیت مالک اصلی خارج نمی‌شود.

#### قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اصول ۴۵ و ۴۹ قانون اساسی ناظر به موارد بسیاری است که ما در گذشته آن‌ها را از نظر فقهی ثروت‌های عمومی و یا ثروت‌های نامشروع دانستیم. اصل ۴۵ مقرر می‌کند:

«انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.» این اصل به «استرداد» کلیه اموال عمومی و از جمله موارد انفال نظر دارد. و در اصل ۴۹



آمده است: دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب خود رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد، این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت، اجرا شود.

### قانون معادن

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ماده ۱۶۱ قانون معادن در سال‌های ۱۳۰۷، ۱۳۱۷ و ۱۳۳۶ به تصویب رسید و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اصل ۴۵ قانون اساسی، معادن را در زمره اموال عمومی قلمداد نمود. هم چنین قانون معادن مورخ ۱/ ۳/ ۱۳۶۲ و قانون اصلاح قانون معادن مورخ ۲۶/ ۲/ ۱۳۶۴ به تصویب رسیدند که مجموع این قوانین، مبین عمومی بودن معادن و عدم قابلیت برای تملیک و تملک توسط اشخاص خصوصی است (همان).

### روند ملی شدن صنعت نفت ایران

۲۹ اسفند، روز ملی شدن صنعت نفت ایران، از حوادث تاریخی و مشهوری است که با بازخورهای سیاسی، حقوقی، بین‌المللی و رسانه‌ای متعدد در داخل و خارج از کشور در آن زمان و پس از آن، برخوردار بوده و برداشت‌ها و قضاوت‌های مختلف و متعددی نسبت به عملکرد نهضت ملی و دکتر مصدق و همراهان وی و نیز جریان‌های سیاسی و مذهبی حاکم و وقت و پیامدهای حقوقی و بین‌المللی آن شده است. صرف نظر از نگاه‌های مثبت یا منفی احتمالی نسبت به ملی کردن صنعت نفت ایران و آثار سیاسی، مذهبی و داخلی آن، تحول مزبور از حیث حقوقی و بین‌المللی قابل توجه بوده و شایسته مطالعه می‌باشد.

### ملی کردن در حقوق بین‌الملل

با توجه به مفهوم و دلایل ملی کردن در حقوق داخلی و تفاوت‌های آن با مفاهیمی مشابه و با توجه به مشکلاتی که در بدست دادن یک تعریف جامع و مانع از ملی کردن در حقوق بین‌المللی وجود دارد، بطور کلی می‌توان تعریفی را که موسسه حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۵۳ بدست داده است مبنا قرار داد و چنین نتیجه گرفت: که (ملی کردن عبارت است از انتقال اموال و حقوق گروه خاصی از بخش خصوصی به دولت در جهت منافع عمومی به منظور استفاده و کنترل بر آن و یا به منظور مصرف جدیدی که دولت برای آن در نظر می‌گیرد، از طریق تصمیمات پارلمانی و قانونگذاری).

با توجه به این تعریف می‌توان گفت که

۱- ملی کردن انتقال مالکیت است.

۲- بخش ملی شده خصوصی تحت اداره و کنترل دولت درمی‌آید.



۳- هدف ملی کردن حفظ منافع عمومی و اجتماعی است.

۴- ملی کردن از طریق تصمیمات پارلمانی و قانونگذاری انجام می‌شود.

با توجه به تعریف موسسه حقوق بین‌الملل، ملی کردن چیزی جز انتقال مالکیت خصوصی نیست، و نقل و انتقال مالکیت نیز بموجب قانون یا بر حسب قواعد آن از مستحکات حقوق داخلی بوده که با قواعد و اصول حقوق بین‌الملل نیز سازگار باشد.

مشروعیت هر ملی کردنی، در واقع، مبتنی بر رعایت شرایط مذکور است. کشورهای مذکور از طرف دیگر می‌گفتند که اینگونه ملی کردن باید مبتنی بر (منافع عمومی) و (مصلحت جامعه) باشد و اگر ملی کردن بدون در نظر گرفتن چنین قیودی باشد عملی نامشروع و موجبات مسئولیت بین‌المللی کشور اقدام‌کننده چنین قیدی باشد عملی نامشروع و موجبات مسئولیت بین‌المللی کشور اقدام‌کننده را فراهم ساخته و مالا چنین کشوری مکلف به پرداخت غرامت می‌باشد. برای ذکر مثال کافیست به بند ماده ۴ (عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و کنسولی) منعقد در تاریخ بیست و هشتم اسفند ماه ۱۳۵۵ بین ایران و دولت ایالات متحده آمریکا، اشاره شود. بند ۲ ماده ۴ عهدنامه مودت می‌گوید: اموال اتباع و شرکت‌های هر یک از طرفین معظمین متعاهدین، از جمله منافع اموال، از حد اعلاای حمایت و امنیت دائم، به نحوی که در هیچ مورد کمتر از مقررات بین‌المللی نباشد، در داخل قلمرو طرف متعاهد دیگر برخوردار خواهد بود. این اموال جز بمنظور نفع عامه، آنهم بی آنکه غرامت عادلانه به اسرع اوقات پرداخت شود، گرفته نخواهد شد. غرامت مزبور باید به وجه موثری قابل تحقیق باشد و بنحو کامل معادل مالی خواهد بود که گرفته شده است، و قبل از گرفتن یا در حین گرفتن مال قرار کافی جهت تعیین غرامت و پرداخت آن داده خواهد شد. آمریکا این نوع شرط را در قراردادهای مشابه دیگری با سایر کشورها نیز گنجانده است. (عدل، ۱۳۸۵)

اما امروز، کشورهای غربی کم و بیش ملی کردن سرمایه خارجی را قبول داشته و به هیچ وجه مشروعیت چنین اقدامی زیر سؤال نمی‌باشد بلکه می‌گویند ضمن اینکه ملی کردن عملی مقبول است در خلال آن تعهد جدیدی برای کشوری که چنین اقدامی بنماید پرداخت غرامت امتناع ورزد بخاطر همین ترک انجام تعهد بنا بر حقوق بین‌المللی مسئول شناخته می‌شود. لذا در آخرین نگرش از دید کشورهای غربی، مسئولیت کشور ملی کننده به لحاظ ترک انجام تعهد بود و نه ارتکاب عملی نامشروع.

### قواعد حقوقی سلب مالکیت در حقوق بین‌الملل

مسئله سلب مالکیت از اموال خصوصی خارجیان در حقوق بین‌الملل به دهه‌های اول قرن بیستم بازمی‌گردد که دولت‌های مکزیک و شوروی با الهام از فلسفه‌های نو ظهور در زمینه سعادت و بهزیستی اقتصادی و اجتماعی (سوسیالیسم) اموال خصوصی اتباع خود و بیگانگان را در مقیاسی وسیع ملی کردند. به دنبال ملی کردن‌های دیگری که پس از جنگ جهانی دوم در سایر کشورها همچون کشورهای شرق و غرب اروپا و



جهان سوم انجام شد بحث و اختلاف به اوج خود رسید که محور اصلی اغلب مناقشات مسئله غرامت قابل پرداخت در قبال امثال خارجی مصادره شده توسط دولت میزبان بوده است. (جزایری، بی تا)

بستر اختلاف میان کشورهای غربی سرمایه ف رست و کشورهای موسوم به در حال توسعه یا سرمایه پذیر بوده است. موضع کشورهای گروه نخست عمدتاً به رهبری ایالات متحده این بوده که اخذ اموال خارجی باید تابع قواعد حقوق بین الملل در باب رفتار با بیگانگان باشد به عقیده این دسته از کشورها اخذ مال و محروم ساختن مالک از آن اعم از مصادره یا ملی کردن فقط در صورتی قانونی و مشروع است که در جهت منافع عموم بدون تبعیض و در ازای پرداخت غرامت کامل صورت گیرد. چنانچه یکی از این شروط مفقود باشد اخذ مال غیرقانونی بوده و مالک آن مستحق اعاده عین مال است و اگر اعاده غیرممکن باشد مستحق غرامت بیشتری خواهد بود. در طرف دیگر این مناقشه کشورهای در حال توسعه جای گرفته اند که به اعتقاد آنان اخذ اموال خصوصی یکی از مظاهر و تجلیات اختیارات حکومتی دولت است و از این روماهیتاً اقدامی مشروع و قانونی است که هرگونه اختلاف درباره ی سلب مالکیت و نیز غرامت لازم الادا منحصر تا تابع قانون داخلی دولت میزبان است و دولت متبوع بیگانه نباید با اعطای حمایت سیاسی و طرح دعوا در سطح بین المللی مداخله ای در قضیه بنماید. (جعفر زاده، ۱۳۸۹)

### نقش سازمان ملل در ملی کردن سرمایه های خارجی

سازمان ملل متحد در مورد ملی کردن سرمایه های خارجی، و مخصوصاً ایجاد حقی بنام حق ملی کردن نقشی عمده را اجرا نموده است. تأیید و تصویب این حق در سازمان ملل متحد سابقه طولانی دارد. ولی تصور می شود که ذکر مجدد همه آنها در اینجا موردی نداشته باشد، فقط به طور خلاصه اشاره می شود که منبع و سرچشمه این حق را باید در منشور سازمان ملل متحد جستجو کرد. زیرا در بند ۲ ماده ۱ منشور سازمان ملل متحد صراحتاً اشاره به استقلال کلیه ملت های جهان شده است.

سازمان ملل در اجرای بند ۲ ماده ۱ منشور خود اقدامات فراوانی انجام داد که از آن جمله می توان به تصویب قطعنامه های شماره ۱۵۱۴ و ۱۵۱۵ اشاره نمود که در آنها صراحتاً حق هر کشور در توسعه و ترقی و حق هر کشور در تسلط بر منابع خویش مورد تصویب قرار گرفته بود. قطعنامه شماره ۱۸۰۳ مورخ ۱۹۶۲ به مسئله ملی کردن جنبه کاملاً جدیدی داد. در این قطعنامه پس از یادآوری مصوبات قبلی سازمان ملل در مورد حق مسلم هر دولت در مالکیت منابع طبیعی خویش و طرق استفاده از آنها، صراحتاً مسئله ملی کردن سرمایه های خارجی را مطرح نمود و اجرای آنها موکول به پرداخت خسارت نمود.

تصویب منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت ها در سال ۱۹۷۴، افق تازه ای برای ملی کردن گشود. منشور مزبور پس از یادآوری برخی از مصوبات سازمان ملل متحد و تأیید ضرورت یک منشور در روابط و تکالیف اقتصادی دولت ها و تذکر به اینکه روابط دولتها و توسعه و ترقی آنها باید بر رفتار منطقی و



منصفانه استوار باشد، در بند ۱ از ماده ۲ مقرر می‌دارد که هر دولت صاحب اختیار مطلق و بدون حد و حصر کلیه دارائی‌ها و منابع طبیعی خویش بوده و مختار است به هر نحو که بخواهد از آنها استفاده نماید. پاراگراف C همین ماده ضمن احصاء حقوق دولت‌ها در مورد ملی کردن چنین مقرر می‌دارد: «هر دولت حق دارد که سرمایه‌های خارجی را ملی نموده و یا از تصرف آنان خارج و یا تغییری در نوع و نحوه مالکیت آنان بدهد. در این صورت دولت ملی کننده باید خسارت متناسبی با توجه به قوانین و مقررات داخلی خویش و شرایطی که او شایسته می‌داند، پرداخت نماید. در کلیه مواردی که در مسئله پرداخت غرامت اختلافی حادث شود، این اختلاف طبق قوانین داخلی کشور ملی کننده و بوسیله محاکم این کشور حل و فصل خواهد شد، مگر آنکه کلیه کشورهای ذینفع آزادانه موفق به انتخاب راه حل مسالمت‌آمیز دیگر بر مبنای تساوی حقوق و انتخاب آزاد، شوند.» بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که حق ملی کردن از طرف سازمان ملل متحد برای تمام کشورها شناخته شده است. مهم‌تر آنکه این حق اولاً به طور انحصاری و مطلق و بدون هیچ گونه قید و شرطی برای کشورها شناخته شده است و از آنجا که این حق جزء حقوق عالیه و حق حاکمیت دولت هاست، لذا هیچ دولتی مجبور نیست که عمل ملی کردن را به نحوی از انحاء توجیه نماید. کما اینکه دولتهای الجزایر و شیلی در پاسخ اعتراض کشورهای سرمایه گذار به همین حق حاکمیت ملی استناد نموده و اظهار داشتند که ملی کردن جزء حقوق حاکمیت ملی آنان می‌باشد. (داراب‌پور، ۱۳۷۴)

ثانیاً سؤال دیگری که به ذهن می‌رسد این است که هدف این همه تأکید بر حاکمیت دایمی و غیر قابل انتقال بر منابع و ثروتهای طبیعی چیست و پذیرفته شدن آن به عنوان یک اصل چه آثاری به همراه دارد؟ قاضی دوآرچاگا در درس خود در آکادمی حقوق بین‌الملل لاهه با استمداد از این قطعنامه می‌گوید: حقوق بین‌الملل جدید حق هر دولتی به ملی کردن اموال خارجی را به رسمیت شناخته است و این حق حتی اگر یک دولت یا حکومت قبلی با معاهده تعهد کرده باشد که چنین کاری نکند، باز هم وجود دارد.

### مبانی حقوقی ملی کردن و مشروعیت آن

در اینجا این سؤال مطرح می‌گردد که آیا یک دولت می‌تواند و بعبارتی دیگر حق دارد اموال بیگانگان را که در کشورش واقع می‌باشد به خود منتقل نماید؟ در واقع این سؤال خود می‌تواند به صورت دو سؤال جزئی‌تر مطرح گردد یکی اینکه آیا یک دولت مستقل حق دارد اموال بیگانگان را که در کشورش واقع است ملی کند؟ و دیگر اینکه آیا چنین کشوری در ملی کردن مقید به رعایت بعضی از قواعد و مقررات کلی حقوق بین‌المللی است؟ جواب سؤال اول کاملاً روشن بوده و مشکل چندانی ندارد زیرا حاکمیت سرزمینی یک کشور کاملاً چنین حقی را به آن می‌دهد جوابگویی به سؤال اندکی مشکل‌تر است. خواهیم دید که بر اساس استنباط از حقوق عرفی و کلاسیک بین‌المللی ملی کردن در صورتیکه منطبق با بعضی از شرایط مقررات نبوده باشد. غیر مشروع به حساب می‌آید و موجب مسئولیت می‌گردد و حال آنکه بر اساس



حقوق بین‌الملل جدید چنین نخواهد بود و این دگرگونی تحول بزرگی است در جهت خواست و سیاست اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان و خصوصا کشورهای جهان سوم مشروعیت خود را از این اصل می‌گیرد حقوقدانان بی شماری هستند که این اصل را از اصول آمره حقوق بین‌الملل امروزی بشمار می‌آورند. (جالون، ۲۰۲۱).

### نتیجه‌گیری

ملی کردن اموال به عنوان یک پدیده حقوقی و اقتصادی، در تاریخ ایران و دیگر کشورها به ویژه در قرن بیستم، به عنوان یک ابزار برای تحقق اهداف اقتصادی و سیاسی استفاده شده است قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین خاصی مانند قانون ملی کردن صنعت نفت در سال ۱۹۵۱، به وضوح بیان می‌کنند که دولت می‌تواند در راستای منافع عمومی و تحقق عدالت اجتماعی، اقدام به ملی کردن برخی از صنایع و اموال کند. این قوانین باید تحت اصول حقوقی و به ویژه مقررات حکمفرما بر حقوق خصوصی مورد توجه قرار گیرند.

نظام حقوقی ایران و سایر کشورها بر اساس اصول متعدد قانونی، ضمن تأکید بر مالکیت شخصی و حفظ حریم آن، بر این اصل مهم تأکید می‌کند. به طور کلی دولت به جهت منافع عمومی و با معیارهای قانونی اقدام به عمل سلب مالکیت و ملی کردن می‌نماید. به همین جهت دایره ملی کردن روز به روز گسترده‌تر می‌شود آن چه مسلم است استفاده از حق مالکیت به صورت نامحدود عملاً امکان پذیر نیست و ملی کردن در واقع امتیازی است که دولت به وسیله آن منافع عمومی را حفاظت می‌کند. با توجه به افزایش روز افزون جمعیت و مشکلات پیچیده اجتماعی و معضل شهرنشینی و همچنین کمبود فضاهای موجود نیازمند این است که قانون گذار از زمین‌های بایر و دایر شهری اشخاص خصوصی طبق قوانین و مقررات سلب مالکیت نموده و آنها را تحت تملک خود در آورد و در واقع ملی اعلام نماید. و مالکین این زمین‌ها نیز موظفند زمین‌های مورد نیاز دولت و شهرداری‌ها را با تقویم دولت به آنها بفروشند. این ملی کردن‌ها در ابعاد مختلف صورت می‌گیرد که از جمله آنها؛ یکی در بعد کارهای عمرانی و شهرسازی، که دولت و موسسات دولتی و شهرداری‌ها طبق قوانین و مقررات و طی تشریفات بر اساس نیازهای خود اقدام به سلب مالکیت از اشخاص خصوصی می‌نمایند.

در بعضی از کشورها وجود دادگاههای اختصاصی مربوط به ملی کردن پیش‌بینی گردیده که وجود این مراجع منطقی به نظر می‌رسد، زیرا ملی کردن به جهت منافع عمومی از سوی دولت نیازمند به رسیدگی خاص می‌باشد.

حقوق بین‌الملل عرفی در خصوص مبانی حقوق ملی کردن دستخوش تزلزل و تحول و مقهور اصولی گردیده است که حقوق بین‌الملل جدید مدافع و طرفدار آنست و این ادعائی است که هم عملکرد کشورها، اعم از سرمایه گذار و سرمایه پذیر و هم رویه حقوقی بین‌المللی اعم از قضائی و حکمیت و هم



تصمیمات مجامع بین‌المللی موید آن می‌باشد و حتی بعضی از صاحب‌نظران پا را فراتر گذاشته، ملی کردن را جزء اصول آمره بین‌المللی محسوب نموده و مقابله با آنرا ممنوع قلمداد کرده‌اند.

از منظر حقوق خصوصی، ملی کردن اموال می‌تواند منجر به تضییع حقوق مالکیت خصوصی شود. بر اساس اصول حقوقی، مالکیت به عنوان یک حقوق بنیادین شناخته می‌شود و هر گونه تغییر در وضعیت مالکیت باید با رعایت اصول قانونی، بررسی و انجام شود. در قوانین ایران، علی‌رغم این که در شرایط خاص، ملی کردن ممکن است تجویز شود، رعایت اصل «حق جبران» و همچنین پرداخت غرامت به صاحبان اموال ملی شده الزامی است. از منظر حقوق بین‌الملل، ملی کردن اموال با چالش‌های جدی مواجه است. اصول حقوق بین‌الملل به ویژه حقوق بشر و حقوق مالکیت، تأکید بر این دارند که هر گونه اقدام ملی کردن باید مطابق با قوانین و قراردادهای بین‌المللی باشد. از جمله این مبانی می‌توان به وجود حق مالکیت و اصل جبران خسارت در معاهدات بین‌المللی مانند کنوانسیون آفریقایی و کنوانسیون سرمایه‌گذاری اشاره کرد.

در نهایت، بررسی تطبیقی ملی کردن اموال نشان می‌دهد که این عمل در هر دو نظام حقوقی، یعنی حقوق خصوصی ایران و حقوق بین‌الملل، با ویژگی‌ها و چالش‌های خاصی همراه است. در حقوق خصوصی ایران، اصول مالکیت و جبران خسارت باید به دقت رعایت شود تا از تضییع حقوق افراد جلوگیری گردد. در عین حال، در حقوق بین‌الملل، ملی کردن اموال باید با رعایت الزامات قانونی و تعهدات بین‌المللی انجام شود تا از بروز دعاوی و مشکلات حقوقی در سطح بین‌المللی جلوگیری گردد. بنابراین، برای ملی کردن اموال به منظور تحقق اهداف توسعه‌ای، لازم است که کشورها اصول حقوق بشر و حقوق مالکیت خصوصی را در نظر بگیرند و از ایجاد تنش‌های بین‌المللی پرهیز کنند. اتخاذ رویکردی متوازن و شفاف در این زمینه می‌تواند به تقویت روابط بین‌المللی و حفظ حقوق سرمایه‌گذاران و صاحبان اموال کمک کند و در نتیجه منجر به توسعه پایدار و عادلانه شود.

در ایران، تجربیات تاریخی مانند ملی شدن صنعت نفت در دهه ۱۳۲۰، نمونه بارز و قابل توجهی از فرایند ملی کردن اموال است که تبعات سیاسی و اقتصادی عمیقی به همراه داشت. این تجربه به‌ویژه در ارتباط با نقش حقوق خصوصی و تأثیرات آن بر سرمایه‌گذاری و تجارت بین‌المللی، موضوعی است که نیازمند تحلیل عمیق‌تری است. در این راستا، قوانین و رویه‌های حقوقی که برای حمایت از حقوق مالکیت خصوصی طراحی شده‌اند، در تقابل با تصمیمات ملی‌سازی قرار گرفته و چالش‌های جدیدی را به وجود می‌آورند.

نظام حقوقی ایران و سایر کشورها بر اساس اصول متعدد قانونی ضمن تأکید بر مالکیت شخصی و حفظ حریم آن بر این اصل مهم تأکید می‌کند به طور کلی دولت به جهت منافع عمومی و با معیارهای قانونی اقدام به عمل سلب مالکیت و ملی کردن می‌نماید. به همین جهت دایره ملی کردن روز به روز گسترده‌تر می‌شود و این نیز ناشی از تنوع کارکردهای دولت و افزایش اشخاص حقوقی حقوق عمومی که از ملی



کردن سود می‌برند می‌باشند. همین تنوع و گستردگی سبب شده است که نتوانیم یک قانون واحد برای انواع ملی کردن حاکم نماییم آن چه مسلم است استفاده از حق مالکیت به صورت نامحدود عملاً امکان‌پذیر نیست و ملی کردن در واقع امتیازی است که دولت به وسیله آن منافع عمومی را حفاظت می‌کند.





### فهرست منابع و مآخذ

- اختر، سید احمد، رئیسی، مسعود، (۱۳۹۶)، بایسته‌های اجرای احکام مدنی، تهران، نشر خط سوم.
- آخوندی، محمود. (۱۳۹۴) آیین دادرسی کیفری. دفتر اول. چاپ ۱۷. تهران.
- دوراندیشان تفرشی، محمد. (بی تا) مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری. جلد یکم. انتشارات دانشگاه تربیت مدرس. چاپ دوم.
- امامی، اسداله، تقریرات دوره درس حقوق مالی، مقطع کارشناسی ارشد، حقوق عمومی نیمسال اول ۱۳۷۱-۱۳۷۲.
- امیری، علی، اجرای حقوق مالکیت صنعتی در مقررات سازمان جهانی تجارت و حقوق ایران، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۸ ش.
- جعفر زاده، میر قاسم، تحلیل مفهومی مالکیت فکری، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۹ ش.
- جعفری لنگرودی، میسوط در ترمینولوژی حقوقی، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۷۳ ش.
- حسین‌زاده جواد، رستم‌زاده امین. مدل سازی اخلاقی نظم عمومی در ملی کردن اموال سرمایه‌گذار خارجی. اخلاق در علوم و فناوری. ۱۳۹۹؛ ۱۵ (۲): ۲۱-۲۸.
- دلیر، حمید، (۱۳۹۵)، حقوق اشخاص ثالث در فرآیند مصادره اموال در حقوق ایران و انگلیس، مجله تحقیقات حقوقی، دوره دوم، شماره ۱.
- سید جلیلی، سید مرتضی، (۱۳۹۵)، ملی کردن اموال از منظر حقوق خصوصی ایران و حقوق بین‌الملل، پایان‌نامه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس.
- شکری، رضا، قادر، سیروس، (۱۳۸۹)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات طیف نگار.
- عامری، آفاق، (۱۳۹۶)، مصادره اموال ناشی از جرایم مواد مخدر و چالش‌ها و راهکارها، پایان‌نامه، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- قربانی، فرج الله. (۱۳۹۰) مجموعه آراء وحدت رویه دیوانعالی کشور (جزایی) چاپ ۷.
- فردوسی کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۱) دوره مقدماتی حقوق مدنی. اموال و مالکیت. چاپ ۳۶. تهران: میزان.
- محمدی، حمید. (۱۳۹۰) ضبط، مصادره و اخذ اموال حاصل از جرم. تهران: گنج دانش.
- منتظری، حسین علی. (۱۳۷۰) مبانی فقهی حکومت اسلامی. جلد ۳. ترجمه و تقریر محمود صلواتی. تهران: نشر تفکر.
- کاتوزیان، ناصر، دوره‌ی مقدماتی حقوق مدنی، اموال و مالکیت، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲ ش.
- لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوقی، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۶۸ ش.



- مسیح‌زاده، فاطمه. (۱۴۰۰). بررسی جایگاه ملی کردن و مصادره اموال در حقوق ایران. مجله علمی حقوق و مطالعات نوین، ۱ (۱)، ۱-۱۷.
- صفایی، سید حسین، نقدی بر لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمرانی، مجموعه مقالات حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، نشر میزان، تهران، ۱۳۷۵ ش.
- میرعباسی، سید باقر، حقوق ملی کردن در حقوق بین‌الملل، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۱ ش.
- وکیل، امیر ساعد، حمایت از حقوق مالکیت فکری در سازمان جهانی تجارت و حقوق ایران، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۸.

- \_\_\_ Asoni, A. (2018). Protection of property rights and growth as political equilibria. *Journal of Economic Surveys*, 22.
- \_\_\_ Baird, D. G. , & Jackson, T. H. (2017). Information, uncertainty, and the transfer of property. *Journal of Legal Studies*, 13 (2).
- \_\_\_ Bronfman, M. K. (2016). Fair and equitable treatment: An evolving standard. *Max Planck Yearbook of United Nations Law*, 10.
- \_\_\_ Carreau, D. , Juillard, P. , & Flory, T. (2018). *Droit international économique*. Paris: L. G. D. J.
- \_\_\_ Jalon, A. (2021). *L'échec d'une idée: La souveraineté partagée* [Thèse de doctorat, Université Paris 11].
- \_\_\_ Locke, A. (2013). Property rights and economic growth.
- \_\_\_ Shavell, S. (2022). *Economic analysis of property law*. Harvard University Press.
- \_\_\_ Tourer, D. (2023). Le principe de légalité souveraine des États: fondement du droit international. *Revue Générale de Droit International* (R. G. D. I.).
- \_\_\_ Tunkin, G. (2022). International law in the international system. *Recueil des cours de l'Académie de Droit International* (R. C. A. D. I.).